



به گزارش خبرگزاری حوزه، متن پیام آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور و رئیس شورای سیاست‌گذاری قرارگاه باخ مبین به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم/ «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»
جنگ رمضان و تهاجم ناجوانمردانه آمریکا و رژیم صهیونیستی که منجر به شهادت جمع زیادی از مردم عزیز ایران و در رأس آن، شهادت قائد عظیم‌الشان امت اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای ^(ع‌ن‌الله) شد، اگرچه مصائب بزرگی بر ملت ایران وارد کرد، اما بزرگترین جلوه‌های پیروزی برای ملت ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را پدید آورد و طعم تلخ شکست را به دشمن آمریکایی و صهیونیستی چشاند. دشمن به هدف تجزیه ایران، براندازی نظام جمهوری اسلامی، تسلیم ملت ایران، تسلط بر ثروت ملی و نفت ایران، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و نابودی محور مقاومت وارد این جنگ شد؛ ولی نه‌تنها به هیچ‌یک از این اهداف نرسید، بلکه شکست‌های بزرگی خورد.
انهدام پایگاه‌های نظامی آمریکادرمنطقه،انهدام اهداف استراتژیک و زیرساخت‌های اسرائیل، قدرت‌یافتن بیش از پیش جبهه مقاومت، تسلط بر تنگه هرمز، بعثت و انسجام ملت ایران در حمایت از نظام، بطلان پروژه ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی و افزایش حمایت جهانیان از ایران به‌عنوان کشوری که در مقابل ظلم و فساد و استکبار با قدرت ایستاده است و افشای چهره کریمه آمریکا و صهیونیست کودک‌کش، ظهور ایران به‌عنوان یک ابرقدرت و تزلزل تمدن سرمایه‌داری غرب و فراهم‌آمدن زمینه‌های ظهور تمدن نوین اسلامی و ظهور خورشید ولایت، محورهای مهم پیروزی‌های بزرگ ما در این جنگ است.
بی‌تردید این پیروزی‌های بزرگ با نصرت الهی و امدادهای غیبی در

از منظر اخلاقی و انسانی نیز دینی‌سازی جنگ، پیامدهای عمیقی دارد. این رویکرد می‌تواند به عادی‌سازی خشونت و تجاوز، تشدید شکاف‌های مذهبی و تضعیف معیارهای جهانی اخلاق منجر شود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین مختاری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان و رئیس پژوهشکده عروةالوثقی، در نوشتاری با عنوان «پندار دینی‌سازی جنگ آمریکا علیه ایران»، به نقد الهیاتی جنگ رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت.
متن نوشتار حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین مختاری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان، به این شرح است:
در گفت‌مان برخی سیاستمداران آمریکایی، به‌ویژه در سطوح عالی تصمیم‌گیری، نوعی گرایش آشکار به بهره‌گیری از زبان و مفاهیم دینی برای توجیه اقدامات متجاوزانه نظامی مشاهده می‌شود. این گفت‌مان، با استفاده از مفاهیمی چون «مأموریت اخلاقی»، «دفاع از ارزش‌های الهی» و «مبارزه با شر»، می‌کوشد جنگ را از سطح یک کنش سیاسی به سطحی قدسی ارتقا دهد. در چنین چارچوبی، جنگ نه به‌عنوان یک انتخاب قابل نقد، بلکه به‌مثابه یک ضرورت اخلاقی و حتی الهی بازنمایی می‌شود؛ امری که به‌طور ضمنی، امکان ارزیابی انتقادی آن را محدود می‌سازد.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، در فضای سیاسی نزدیک به دولت دونالد ترامپ، برخی اظهارات به‌گونه‌ای مطرح شده‌که جنگ علیه ایران را در چارچوب تقابل میان «خیر و شر» یا «نظم مطلوب و نیروهای تهدیدکننده آن» تصویر می‌کنند (Reuters،۲۰۲۶). همچنین، تحلیل‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد که در میان برخی جریان‌های مسیحی انجیلی، این تقابل با تفسیرهای خاصی از متون مقدس و حتی سناریوهای آخرالزمانی پیوند خورده است (The Guardian، ۲۰۲۶). این نوع بازنمایی، از منظر فلسفه سیاسی، نوعی «قدسی‌سازی سیاست» به‌شمار می‌رود که در آن، مرز میان امر الهی و اراده انسانی مخدوش می‌شود.
در مقابل این گفت‌مان، موضع پاپ لئون چهاردهم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا به‌عنوان عالی‌ترین مرجع کلیسای کاتولیک، نه‌تنها از منظر دینی، بلکه از حیث اخلاق جهانی نیز سخن می‌گوید. او در سخنرانی خود در مراسم یکشنبه نخل (Palm Sunday) به‌صراحت اعلام کرد: «خدا دعاهای کسانی را که جنگ به راه می‌اندازند، نمی‌پذیرد؛ دستان آنان آغشته به خون است (Reuters،۲۰۲۶). این بیان، به‌روشنی هرگونه پیوند میان دعا به‌عنوان عمل دینی و جنگ به‌عنوان کنش خشونت‌آمیز را نفی می‌کند.

افزون بر این، او تأکید کرد: «خداوند، خدای صلح است، نه خدای جنگ» و هشدار داد که استفاده از نام خدا برای توجیه خشونت، نوعی تحریف دین به‌شمار می‌رود (Washington Post،۲۰۲۶). این موضع، در واقع بازگشتی است به جوهر تعالیم

رئیس شورای سیاست‌گذاری قرارگاه بلاغ مبین در پیامی تأکید کرد

تبعیت از مقام معظم رهبری بر همگان لازم است

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، نسبت به اعتماد مردم به مسئولان محترم و پاسداری از وحدت و انسجام ملی تأکید ورزیده و تبعیت از مقام معظم رهبری را بر همگان لازم می‌داند.

پی ایمان، توسل، توکل، دعا و التجاء به خداوند متعال و بصیرت، جهاد، استقامت و پایدردی و انسجام و وحدت مسئولان نظام، نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی قهرمان و مردم بزرگ ایران بر محور رهبری معظم حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای و به‌برکت خون امام شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای ^(ع‌ن‌الله) و بستگان ایشان و مسئولان و فرماندهان بزرگ و سربازان و بسیجیان جان‌برکف و خون کودکان شهید میناب و مردم مظلوم به دست آمده است.

اکنون در آستانه شهادت حضرت امام صادق ^(ع‌ن‌الله) و سالگشت حمله دژخیمان رژیم ستمشاهی به مدرسه فضیه که یکی از نقطه‌های عطف مهم در نهضت امام خمینی کبیر ^(ع‌ن‌الله) و انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید، ضمن عرض تسلیت این مناسبت‌ها و شهادت رهبر شهیدمان ^(ع‌ن‌الله) و همه شهدای ایران و مقاومت اسلامی، نکاتی را یادآور می‌شود:

۱. ما عزادار امام شهید خود هستیم و درحالی‌که هنوز پیکر مطهر ایشان به خاک سپرده نشده است، در غم جانکاه فقدان او می‌سوزیم؛ از این‌رو مناسب است مراسم عزاداری‌های حماسی، تا به خاکسپاری ایشان و چهل‌م خاکسپاری رهبر شهید و عزیزمان ^(ع‌ن‌الله) ادامه یابد.
۲. نبرد ما با جبهه باطل نبردی وجودی است و تا محو کامل جبهه باطل ادامه خواهد داشت. دفاع مقدس هشت‌ساله، جنگ تحمیلی دوازده‌روزه و جنگی که در این ۴۰ روز به ما تحمیل شد، مراحل و مقاطعی از این جنگ وجودی است که بحمدالله با نصرت الهی، جمهوری اسلامی ایران در هرسه به پیروزی رسید و به‌ویژه در این جنگ تحمیلی سوم، با درهم‌کوبیدن وجهه استکبار به پیروزی بزرگی دست یافت.

۳. حضور حماسی و شبانه روحانیت و اقشار مختلف مردم به‌همراه استخانه و تضرع به درگاه پروردگار به‌منظور پاسداری از تنگه احد انقلاب اسلامی، همچنان لازم است استمرار داشته باشد و آمادگی اجتماعی بعثت‌گونه مردم تا تحقق همه شروط و به‌منظور مقابله با هر حادثه‌ای که ممکن است اتفاق بیفتد، همچنان حفظ شود. همین‌جا باید صمیمانه و متواضعانه از یکایک ملت شریف

• یادداشت

پندار دینی سازی جنگ آمریکاعلیه ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری



مسیحی که در آن، صلح نه یک انتخاب ثانوی، بلکه یک اصل بنیادین است. در همین چارچوب، پاپ تصریح می‌کند که دعای حقیقی نمی‌تواند در خدمت خشونت قرار گیرد؛ زیرا دعا، در ذات خود، دعوت به آشتی، بخشش و بازسازی روابط انسانی است.
این دیدگاه، ریشه در سنت الهیاتی عمیقی دارد. در اناجیل، حضرت عیسی ^(ع‌ن‌الله) نه‌تنها خشونت را رد می‌کند، بلکه حتی در برابر دشمن نیز بر محبت و بخشش تأکید دارد. فرمان «محبت به دشمنان» (انجیل متی ۵:۴۴) نشان می‌دهد که مسیحیت، خشونت را نه‌تنها در عمل، بلکه در سطح نیت و نگرش نیز به چالش می‌کشد؛ از این‌رو، هرگونه تلاش برای مشروعیت‌بخشی به جنگ، به‌ویژه جنگ تهاجمی، با ساختار درونی این تعالیم در تعارض قرار می‌گیرد.

از منظر نظری، این تقابل را می‌توان در چارچوب نقد «الهیات سیاسی» تحلیل کرد. زمانی که سیاست به زبان دین سخن می‌گوید، این خطر وجود دارد که دین به ابزاری برای تثبیت قدرت تبدیل شود. در این وضعیت، مفاهیم دینی از معنای اصیل خود تهی شده و در خدمت اهداف سیاسی قرار می‌گیرند. سخنان پاپ، دقیقاً در برابر این روند قرار دارد؛ او با تفکیک روشن میان ایمان و خشونت، تلاش می‌کند دین را از این نوع ابزارسازی نجات دهد.

نقد منطقی این گفت‌مان را می‌توان در چند سطح صورت‌بندی کرد. نخست، نسبت‌دادن جنگ به اراده الهی، از نظر معرفت‌شناختی، فاقد هرگونه معیار عینی است و بیشتر به

پیام مدیر حوزه‌های علمیه

در محکومیت اقدام ضد اخلاقی

و ضد دینی علیه کلیمیان ایران

حوزه‌های علمیه به‌عنوان سنگر دفاع از ارزش‌های دینی و اخلاقی، هرگونه هتک حرمت اماکن عبادی و مزاحمت برای اقلیت‌های دینی رسمی کشور را که در تعالیم قرآنی و سیره پیامبر اسلام و اهل بیت ^(ع‌ن‌الله) و قانون اساسی محترم شمرده شده‌اند، به‌شدت محکوم می‌کند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، پیام آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه در محکومیت اقدام ضد اخلاقی و ضد دینی علیه کلیمیان ایران به این شرح است:

خانواده محترم کلیمیان ایران

سلام علیکم

با تأسف عمیق، خبر تعرض به کنیسه محترم «رفیع‌نیا» در تهران که در ایام اخیر از سوی ایادی بیگانه و عناصر ضد خدای استکبار صورت گرفته، موجب رنجش خاطر همه پیروان ادیان توحیدی در ایران عزیز گردید و آزادگان جهان در همه جای جهان از آن بیزارند.

حوزه‌های علمیه به‌عنوان سنگر دفاع از ارزش‌های دینی و اخلاقی، هرگونه هتک حرمت اماکن عبادی و مزاحمت برای اقلیت‌های دینی رسمی کشور را که در تعالیم قرآنی و سیره پیامبر اسلام و اهل بیت ^(ع‌ن‌الله) و قانون اساسی محترم شمرده شده‌اند، به‌شدت محکوم می‌کند.

این اقدام ننگین، نه‌تنها با آموزه‌های الهی که با هر قانون انسانی و اخلاقی در تضاد است، بی‌گمان دست‌های پشت پرده استکبار جهانی که همواره به دنبال ایجاد تفرقه و بی‌ثباتی در ایران عزیز هستند، پشت این حرکت شروانه قرار دارند.

از دستگاه‌های امنیتی و انتظامی کشور که جان‌نثارانه و مقتدرانه امنیت کشور را در این روزهای سخت جنایت علیه ایران تأمین می‌کنند، انتظار می‌رود که ضمن شناسایی عاملان این جنایت، با جانیان و مفسدان قاطعانه برخورد کنند.

اینجانب ضمن ابراز همدردی با شما هم‌میهنان گرامی، بار دیگر بر لزوم تشکیل جبهه مشترک حق و عدالت در برابر مستکبران و نظام سلطه و همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به پیروان همه ادیان الهی در ایران عزیز تأکید می‌نمایم.

علیرضا اعرافی

مدیر حوزه‌های علمیه جمهوری اسلامی ایران

محبت و پاسداشت کرامت انسان است. تعالیمی چون محبت به دشمن، بخشش و پرهیز از خشونت، نه توصیه‌هایی حاشیه‌ای، بلکه اصولی بنیادین در این دین به‌شمار می‌روند. از این‌رو، هرگونه جنگ تهاجمی، به‌ویژه آنجا که با قتل بی‌گناهان و به‌طور خاص کودکان همراه است، نه‌تنها قابل توجیه دینی نیست، بلکه مستقیماً در تعارض با روح و حقیقت این تعالیم قرار دارد. دینی که انسان را حامل کرامت الهی می‌داند، نمی‌تواند کشتار او را، آن هم در قالب جنگی پیش‌دستانه یا تجاوزکارانه، مشروع بشمارد.

این اصل، محدود به مسیحیت نیز نیست؛ بلکه در کلیت ادیان الهی، نوعی حرمت بنیادین نسبت به جان انسان‌ها وجود دارد. در این چارچوب، جنگ اگر در شرایطی خاص و محدود نیز مطرح شده باشد، همواره با قیود سخت‌گیرانه اخلاقی همراه بوده و هرگز به‌عنوان ابزار عادی سیاست یا وسیله تحقق اهداف قدرت پذیرفته نشده است. بنابراین، تبدیل جنگ به «مأموریت دینی» و نسبت‌دادن آن به اراده الهی، درواقع نوعی وارونه‌سازی معنای دین است و توجیه واهی و غیرقابل‌قبول از تجاوز به سایر کشورهاست؛ زیرا دین، به‌جای آنکه مانعی در برابر خشونت باشد، صرفاً به ابزاری برای توجیه آن تبدیل می‌شود.

از منظر اخلاقی، هیچ چارچوب دینی معتبر نمی‌تواند قتل غیرنظامیان، تخریب سرزمین‌ها و ایجاد رنج گسترده انسانی را تأیید کند. به‌ویژه در مورد کودکان که نماد بی‌گناهی و آسیب‌پذیری‌اند، هرگونه خشونت، نه‌تنها محکوم اخلاقی، بلکه نشانه‌ای از فروپاشی معیارهای انسانی است. در این معنا، دفاع از صلح، صرفاً یک موضع سیاسی یا احساسی نیست؛ بلکه ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های ایمان دینی دارد؛ از این‌رو، آنچه در گفت‌مان دینی‌سازی جنگ دیده می‌شود، نه تفسیر دین، بلکه فاصله‌گرفتن از آن است. این گفت‌مان، با پیوندزدن دین به قدرت، درواقع دین را از کارکرد اصیل خود؛ یعنی هدایت، اصلاح و تحدید خشونت، تهی می‌سازد. در مقابل، رویکردی که دین را در برابر جنگ و تجاوز قرار می‌دهد، در حقیقت به جوهر آن وفادار می‌ماند.

درنهایت، می‌توان گفت که مسئله اصلی، نه اختلاف در سیاست، بلکه اختلاف در فهم حقیقت دین است. دینی که به‌درستی فهم شود، نه‌تنها جنگ تهاجمی و قتل بی‌گناهان را تأیید نمی‌کند، بلکه در ستیز با آن قرار می‌گیرد و انسان را به سوی صلح، عدالت و پاسداشت حیات فرا می‌خواند. در این معنا، دفاع از صلح، نه خروج از دین، بلکه بازگشت به حقیقت آن است. تجربه نشان داده است، دولتمردان آمریکا غالباً چندان اعتقادی به آموزه‌های دینی و اخلاقی به‌ویژه تعالیم مسیحیت نداشته‌اند؛ لذا صرفاً برای توجیه و ترغیب مردم به جانبداری از آنان در تجاوز ددمنشانه به دیگر کشورها، به مفاهیم مقدس دینی توسل جسته تا تصمیمات غیرانسانی و نامعقول خویش را با زنگ و لعاب دینی عملی سازند و بر پندار غلط خود پافشاری نمایند.